



همایش بررسی پدیده هری پاتر

# هری پاتر صدسال تنهایی؟

هری پاتر و سفر به مرکز هستی

خویش

شکوه حاجی نصرالله، منتقد کتاب کودک و نوجوان، در ابتدای این مراسم، مقاله خویش را با عنوان «هری پاتر، انرژی رها شده از بزرگ مادر نخستین»، برای حاضران قرائت کرد.

وی گفت: «برای شناخت هر پدیده و نمود ریشه‌دار اجتماعی، باید نخست ریشه و سیر تکوین آن را جست‌وجو کرد، آن‌گاه به بررسی و تحلیل آن پرداخت و سرانجام، کارکرد آن را دریافت. برای شناخت داستان هری پاتر، از همین روش استفاده می‌کنیم. در این نگاه، داستان را به مثابه یک سیستم مورد بررسی قرار می‌دهیم. در مرحله نخست، با بررسی تکوینی مشخص خواهد شد که هری پاتر، در چه شرایطی نوشته شده است. در ادامه با تحلیل ساختاری و توجه به عناصری چون تخیل، شخصیت‌پردازی و بن‌مایه، ویژگی‌های این داستان را جست‌وجو می‌کنیم و سرانجام، با بررسی و تحلیل کارکردی این داستان، به تأثیری که ممکن است روی هر پدیده بیرونی چون مخاطب بگذارد، توجه خواهیم کرد.»

حاجی نصرالله، برای تعیین چگونگی تکوین داستان هری پاتر، از باورهای مردم انگلیس گفت. وی جامعه انگلیس را یکی از کشورهای خرافی جهان معرفی کرد و اظهار داشت: «داستان هری پاتر از جنس روایاها و

همایش «بررسی پدیده هری پاتر»، روز یک‌شنبه، هفدهم آذرماه ۸۱، به همت دفتر ادبیات داستانی و انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، در فرهنگسرای ملل برپا شد.

شکوه حاجی نصرالله، حسین شیخ‌الاسلامی، محمدهادی محمدی و محمد قصاب درحضور کارشناسان، منتقدان و نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان، در این مورد سخنرانی کردند.



**حاج نصرالله  
«رولینگ»  
با استفاده از تخیل  
اسطوره‌های - جادویی  
که بیشترین انرژی  
تخیلی را دارد،  
به خط داستانی  
انرژی داده است.  
او با استفاده از  
این انرژی،  
به نیازهای  
آستانه بلوغ  
پرداخته و ناگهان  
شوق خواندن را  
در کودک  
بیدار کرده است**

باورهای مردم انگلیس و شاید بتوان گفت که نمایشی از عمیق‌ترین لایه‌های حیات غریزی آن‌هاست. زندگی رولینگ، نویسنده کتاب هری پاتر، در اسکاتلند، سرزمین مشهور به افسانه‌های کهن، خرافات پرستی، قصه‌های ارواح و غول‌ها، در ساخت فانتزی هری پاتر تأثیر ویژه‌ای داشته است. فضای باستانی شهر ادینبرا، با قلعه آرتور شاه و خیابان‌ها و کوچه‌های باریک و دراز سنگ‌فرش شده، الهام‌بخش رولینگ بوده است. رولینگ روح کشورش، انگلستان را در این فانتزی بازمی‌نماید؛ روحی مرتعش از رویاهای بی حد و مرز که جز در برابر کهن الگوهای برآمده از ناخودآگاهی جمعی، تعادل نمی‌یابد.»

سخنران در تحلیل ساختاری داستان هری پاتر، این داستان را نوعی فانتزی جادویی - اسطوره‌ای معرفی کرد که در آن، وجوه مختلفی چون طنز و هراس نیز دیده می‌شود. وی نوع طرح‌ریزی این داستان را باعث به‌وجود آمدن سه لایه دنیوی، مینوی و رازآموزانه خواند و گفت: «در لایه دنیوی، یعنی بیرونی‌ترین لایه، رهایی کودک از سلطه خفقان‌آور آموزش و همچنین زندگی دور از انتظارات پدر و مادر، تجربه می‌شود. در لایه میانی اثر، یعنی لایه مینوی، بر اساس تحلیل یونگی، سفر رفت و برگشت هری پاتر از خانه غیرجادوگرها به مدرسه علوم و فنون جادوگری و از مدرسه به خانه، همانا حرکت از خودآگاه به ناخودآگاه خوانده می‌شود. این سفر فردیت بخش، به پیوند اضماد، یعنی به پیوند درونی ناخودآگاه و خودآگاه می‌انجامد و نتیجه آن خودمختاری، صمیمیت، فعالیت، تلاش و عشق است. هری و دیگر دانش‌آموختگان مدرسه فنون و علوم جادوگری، از سکویی که وجود خارجی ندارد، وارد این دنیای شگرف می‌شوند. معنای این مکان استعاری چیست؟ هری پاتر به مکانی می‌رود که کل هستی از آن می‌آید؛ به آن آگاهی که منشا همه چیز است. او به جایی فراسوی مفهوم واقعیت سفر می‌کند. شاید بتوان گفت، این همان سطحی است که جوزف کمبل، سطح نامریی و حمایت‌کننده زندگی مریی می‌نامد. و درواقع، این همان مضمون پایه‌ای اسطوره‌شناسی است. در لایه زیرین اثر، یعنی لایه رازآموزانه، با استفاده از واژه‌های جادویی - اسطوره‌ای، خاطره ناخودآگاه جمعی (خاطرات نیاکان) به معنا درمی‌آید. هری پاتر بایستی آیین‌گذار را طی کند تا بلوغ او کامل شود. این لایه به نیازهای درونی مخاطب پاسخ می‌گوید.»

حاجی نصرالله، درباره عنصر شخصیت در هری پاتر، چنین گفت: «شخصیت‌پردازی در هری پاتر، تحت تأثیر اندیشه باستانی، در دو قطب نیکی و بدی طرح‌ریزی شده است. هری پاتر کودکی است که از حد و مرزهای دنیای بزرگسالان می‌گریزد و به جایی می‌رود که در آن مکان،

توانایی‌های یگانه و ذاتی وجود او پدیدار می‌شود. او آمادگی دارد با هر آنچه در انتظارش است، رو به رو شود. او در این دنیای خیال، به مبارزه با کژی‌ها می‌پردازد. بن‌مایه مصاف نیروهای تاریکی و روشنایی در این داستان، همان انگاره زردشتی است که وارد دنیای یهودیت و مسیحیت شده است. هری پاتر تصویری از کهن الگوی قهرمان است که از اسطوره‌ها بیرون آمده. از سویی، از ویژگی فردیت نیز برخوردار است. که عنصری متعلق به جامعه مدرن است. او با شهامت، در زندگی مشارکت می‌جوید. او هیچ کینه شخصی و نومی ندارد. هری پاتر موجودی منحصر به فرد است و با همین فردیت است که او به مخاطب الگو نمی‌دهد. او به مخاطب می‌گوید که هستی درونی خویش را که فقط منحصر به اوست، بشناسد و پرورش دهد. هری پاتر، بیانگر کدامین تفسیر از جهان است؟ قهرمان داستان در کنش‌هایش، همراهی و همگرایی جسم و جان را معنا می‌بخشد.»

وی افزود: «گوناگونی شخصیت‌های تخیلی و توصیف دقیق آنان، از ویژگی‌های شخصیت‌پردازی فانتزی کتاب هری پاتر است. شخصیت‌های ذهن ساخته‌ای چون سنتور، تک شاخ، اژدها، ققتوس، جن خانگی، ارواح، مهرگیا، دیوانه‌سازها، تابلوهایی که شخصیت‌های داخل آن لیخنند می‌زنند و به مهمانی می‌روند و به موهای خود بیگودی می‌پیچند و کتاب‌هایی که برای جلوگیری از کتک خوردن از دست آن‌ها، باید آن‌ها را با طناب بست و تنها با نوازش باز می‌شوند، درخت بید کتک‌زن، نامه‌های عریبه‌کش، ماشین پرنده و... با بهره‌گیری از تخیل باستانی و تخیل فردی نویسنده، به خط داستانی آمده‌اند. رولینگ در آفرینش شخصیت‌های داستانی، تا بدان‌جا پیش می‌رود که کلیددار مدرسه جادوگری، هاگرید، خود آفریننده موجوداتی شگرف می‌شود. از سویی کنش‌های جادویی، اشیای جادویی، گشتارهای کنشی و شخصیتی و الفاظ با ذاتی جادویی در این فانتزی، ریشه در باور انسان ابتدایی به جادو دارند. زیرا انسان ابتدایی، از طریق برگزاری آیین‌ها و به کار بردن افسون و طلسم، می‌کوشید تا ابر و باد و مه و خورشید و فلک و جانور و گیاه را تحت فرمان خود درآورد. با توجه به فضای دوقطبی داستان، جادو در دو قطب تاریکی و روشنایی قرار می‌گیرد.»

حاجی نصرالله، در بحث روایت گفت: «روایت در فانتزی هری پاتر، در دو جهان طرح‌ریزی شده است؛ جهان فراطبیعی که همان مدرسه علوم و فنون جادوگری است و جهان واقعی. جادوگران و غیرجادوگران، بدون هیچ‌گونه مانعی و به اختیار خود، می‌توانند به این دو جهان رفت و آمد کنند.»

وی افزود: «در این روایت، طرح هندسی ساختمان مدرسه، دایره‌ای است که مربع را دربرمی‌گیرد؛ مثل این است که روح بر جسم محیط است. از سویی، پیرامون ساختمان مدرسه را آب فراگرفته است؛ درست همانند تصویری که سومریان از بهشت داشته‌اند. بدین‌سان، رولینگ با مرکزیت دادن به مدرسه، به آن ارزش و اعتبار



می‌نشیند. او هستی درونی‌اش را با آنان به اشتراک می‌گذارد. این کنش‌ها همه و همه، قهرمان را برای شناخت هستی درونش و باور به خود آماده می‌سازد. هرگاه به زبان اساطیر با کودک سخن گوئیم، پرده از راز و رمز سرشت او برمی‌داریم. زیرا اساطیر، نمایشی مصور از کمبودهای اوست و بدین‌سان، عامل بالقوه نیروزای هستی، در درون هری‌پاتر و مخاطب کودک و نوجوان او پرورانده می‌شود تا در تمام مراحل و شکل‌های حیات آن‌ها باقی بماند.»

وی افزود: «بزرگسالان قوه ادراک حسی کودک را با تمهیدات و ابزارهای خاص، به درستی و مهارت به کار می‌اندازند و ورزیده می‌کنند. اما در هنگام تقویت قوه ادراک حسی کودک، تخیل غریزی او، یعنی جادوی درون را سرکوب می‌کنند. بنابراین در رشد ضروری قوه ادراک حسی، میان این قوه و قوه تخیل، شکافی عمیق ایجاد می‌شود. کودک با شنیدن یا خواندن بن‌مایه‌های جادویی - اسطوره‌ای، در ژرف‌ترین لایه‌های وجودش، یعنی در حوزه ناخودآگاهی جمعی که ذهنیات ابتدایی قوم و نژادش در آینه آن متجلی می‌شوند، نضج و قوام می‌یابد. از این رو، می‌توان گفت که بن‌مایه‌های جادویی - اسطوره‌ای، توانایی ترمیم این شکاف را دارند.»

درباره هری پاتر  
نباید اغراق کرد.  
هری پاتر  
یک رمان زیبا  
و جذاب است؛  
آن را بخوانیم،  
از آن لذت ببریم،  
اما آن را بزرگ نکنیم.  
هری پاتر را باید  
در همان جایگاهی  
که هست،  
نگه داشت

در ادامه، حاجی نصرالله، مخاطب و قهرمان فانتزی هری‌پاتر را فردی معرفی کرد که به آستانه بلوغ رسیده است. وی هری‌پاتر را نمایشی از دوران بلوغ خواند و به تشریح دوران بلوغ پرداخت و سپس گفت: «در این مرحله، او به یک انسان غیرمتعارف، خیالباف و ناسازگار بدل می‌شود و حس تنهایی ناشی از گسست اولیه از زهدان مادر، در وجود او سربلند می‌کند. از سویی، مجموعه تازه‌ای از نیازمندی‌ها، حضور خود را از طریق جسم به او اعلام می‌کنند. در این تنهایی، او برای نخستین بار متوجه فردیت خویش می‌شود. رولینگ با تصویر دوران بلوغ در فانتزی هری‌پاتر، مخاطب نوجوان را در این تنهایی همراهی کرده است. زیرا فرآیند هویت یافتن در رشد را در محور داستانی نمایش داده است.»

سخنران در ادامه، لازمه رسیدن هری‌پاتر به مرحله بلوغ و پذیرایی مسئولیت‌های این دوران را طی کردن آیین‌گذار ذکر کرد و افزود:

«هری‌پاتر و دوستانش، به کارهای قهرمانانه و جسارت‌آمیزی می‌پردازند که مخاطب آرزوی انجام آن‌ها را دارد، اما هرگز آن‌ها را انجام نمی‌دهد. آن‌گاه که هری‌پاتر به رویاهایش جامه واقعیت می‌پوشاند، مخاطب همراه با او امیدها و آرزوهای خاص خود را می‌پروراند و آینده را جست‌وجو می‌کند. در این گذار، او به تجربه‌ای از زنده بودن دست می‌یابد و جذبه زیستن را حس می‌کند.»

حاجی نصرالله در پایان سخنانش، رولینگ را

اسطوره‌ای داده و در باور مخاطب، آن را مکانی شگرف ساخته است. بنابراین، سفر هری‌پاتر به مدرسه، همانا سفر به مرکز هستی خویش است.»

این سخنران، در بخش دیگری از سخنانش، اظهار داشت: «تخیل رولینگ، بر عناصر چهارگانه بنیان یافته است: اصل مادینه، زمین، طبیعت، چهار عنصر خاک و هوا و آب و آتش، چهاربند جهان، چهار برج مدرسه و چهار گروه دانش‌آموختگان، با چهار رنگ متمایز از هم. این تخیل در دو وجه، تخیل باستانی و تخیل فردی نویسنده، شکل می‌گیرد. در تخیل باستانی، رولینگ هویت‌های گم‌شده در دنیای امروزی را جست‌وجو می‌کند. یونگ این سمبول‌های مقدس و جمعی، این هویت گم‌شده بسیار قدیمی را تحت عنوان کهن‌الگو نام می‌برد و معتقد است که کهن‌الگوها هرچند در خودآگاه انسان امروزی جایی ندارند، در ناخودآگاه او جوشش و حیات دائمی دارند. ۱. بدین‌سان، رولینگ با این عنصر زنانه، یعنی اصل مادینه، مخاطب را به سرچشمه حیات می‌برد.»

حاجی نصرالله در ادامه، به جایگاه ویژه تشخیص در تخیل‌شناسی هری‌پاتر اشاره کرد و گفت: «تشخیص» به معنای حرکت و جان دادن به تمامی اشیا و پدیده‌های طبیعی پیرامون انسان است. به گونه‌ای که این پدیده‌ها دارای قدرت‌های شگفت‌انگیز خواهند شد و در دو قطب نیکی و بدی، صفت‌بندی می‌کنند. شخصیت‌های نیک و بد همسان هم هستند، اما در کشمکش و حرکت ضروری آن‌ها، خیر بر شر پیروز می‌شود و آن‌گاه شرایط جدیدی شکل می‌گیرد.»

وی درباره کیفیت تخیل در این فانتزی، تاکید کرد که: «تخیل در این داستان، با توجه به نیاز کودک به آزادی فردی و رها از انتظارات بزرگسالان و نیز نیاز کودک و نوجوان برای رهایی از منطق خفقان‌آور آموزش در مدارس، شکل گرفته است. از سویی، چگونگی تخیل با توجه به نیاز کودک به ماجراجویی و لذت و بازی، در لحظه لحظه کنش‌های داستانی و شخصیت‌ها و اشیای شگرف، تأمین شده است. در طرح‌ریزی این تخیل، حق رشد در دوران کودکی و بلوغ، با توجه به نیاز انسان به شناخت نیروهای درونی که سرچشمه آن ناخودآگاه است، در نظر گرفته شده است.»

حاجی نصرالله، نبرد بین نیکی و بدی را بن‌مایه اصلی هری‌پاتر ذکر کرد و گفت که کشمکش خیر و شر در این فانتزی، به موقعیت تاریخی خاصی اشاره ندارد. وی اظهار داشت: «ولدمورت، جادوگر سیاه سمبل شر، تاریکی و بدی در همه اعصار است که حتی شکل مشخصی ندارد. او در پی به دست آوردن قدرتی است که اقتدار و تسلط او را بر همه کس و همه چیز تأمین کند. وجود او بیانگر حرص و آز و قدرت در تمامی دوره‌هاست.»

سخنران در تحلیل کارکردی داستان هری‌پاتر گفت: «فانتزی هری‌پاتر، به زبان اساطیر سخن می‌گوید. تمامی اشیا و همه پدیده‌های پیرامون هری‌پاتر، جان دارند. هری با آن‌ها سخن می‌گوید و پای صحبت آنان



**هری پاتر  
دنیا را شگفت زده  
کرده است.  
نه تنها هری پاتر  
سبب شده که  
توجه به فانتزی  
افزایش پیدا کند،  
بلکه موجی از  
گرایش به  
کتابخوانی  
ایجاد کرده است.  
هم چنین،  
بحث‌های اخلاقی و  
بحث بسیار مهم  
جادو و دین را  
پیش کشیده است**

کیمیای خواننده که موجب تحول در کتاب و کتابخوانی شده است. وی گفت:

«رولینگ با استفاده از تخیل اسطوره‌ای - جادویی که بیشترین انرژی تخیلی را دارد، به خط داستانی انرژی داده است. او با استفاده از این انرژی، به نیازهای آستانه بلوغ پرداخته و ناگهان شوق خواندن را در کودک بیدار کرده است. فانتزی هری پاتر، علاوه بر تأکید بر اصل لذت و سرگرمی، رهاورد دیگری نیز برای مخاطب دارد. او در کنش متقابل اجتماعی، رشد می‌کند و مخاطب را در این تجربه شریک می‌سازد. ظرفیت‌های موجود در این اثر، چنین شرایطی را برای آن به وجود آورده است. فانتزی رولینگ، به عنوان ادبیاتی مخاطب محور، در دنیای کتاب کودک تحولی شگرف برپا کرده است.»

هری پاتر، صدسال تنهایی!

سخنران بعدی این همایش، حسین شیخ‌الاسلامی، منتقد ادبیات کودک و نوجوان بود.

شیخ‌الاسلامی، ابتدا مجموعه داستان‌های هری پاتر را داستان‌هایی با شرایط متفاوت خواند و به تشریح ویژگی‌هایی که باعث به وجود آمدن این شرایط شده بود، پرداخت. وی گفت:

«نخستین ویژگی، این است که این داستان‌ها به قشر کودک و نوجوان تعلق دارد. بدین معنا که مستقیماً تحت عنوان ادبیات کودک و نوجوان انتشار یافت. بنابراین، این کتاب‌ها از خیل کتاب‌های عاشقانه، جنایی، کارآگاهی و حتی کمیک استریپ که پیش از این توانسته بودند به چنین جایگاهی دست یابند، جدا می‌شوند. ویژگی دوم، این است که این کتاب‌ها هیچ‌گونه شباهتی با کتاب‌های مشهور و پرطرفدار ادبیات کودک (هم چون شازده کوچولو، پی‌پی جوراب بلند و...) ندارد. این کتاب از هرگونه رویکرد رمانتیک، احساس‌گرا و حتی درونگرا نسبت به کودکی خالی است و همانگونه که در عمل نیز مشخص شد، به هیچ عنوان خود را به دنیای کودکان محدود نکرد. به همین دلیل هم مخاطبان آن صرفاً کودک نیستند و بالاخره این که «هری»، زمانی به این محبوبیت عجیب و غریب رسید که رسانه کتاب، با رقیبان سرسختی مواجه بود و عملاً همگان منتظر تجزیه تدریجی آن بودند. این کتاب از همان ابتدا در میان آثار ادبیات کودک و نوجوان طبقه‌بندی شد و متأسفانه، همین عامل نیز سبب شد منتقدان کمتر با این اثر، هم‌چون اثری ادبی و مستقل، برخورد کنند و بیشتر تحلیل‌ها با تمرکز بر رابطه‌ای که این کتاب با کودک و نوجوان برقرار می‌سازد، تهیه و ارائه شد.»

سخنران در ادامه، اولین مشخصه داستان‌های

هری پاتر را تخیلی بودن و جادویی بودن آن‌ها ذکر کرد و سپس، حقیقت‌نمایی در این داستان‌ها را با حقیقت‌نمایی در داستان‌های فانتزی، پست مدرن و رئالیسم جادویی مقایسه کرد و گفت:

«از آن جا که قالب فانتزی، بیشتر در ادبیات کودک و نوجوان به کار می‌رود و اکثر داستان‌های موفق فانتزی نیز برای همین قشر از مخاطبان نگاشته شده است، اولین نکته‌ای که به نظر می‌رسد، فانتزی خواندن داستان‌های هری پاتر است، اما واقعیت این است که «داستان‌های هری پاتر»، تفاوت‌هایی فراوان با داستان‌های فانتزی دارد.»

در داستان‌های فانتزی، تا حد ممکن با تخیل ناب روبه‌رویم؛ بدین معنا که در داستان‌های فانتزی، تخیل حد و مرز ندارد و از قانون مشخصی سود نمی‌برد. برای مثال، آلیس در سرزمین عجایب که به عقیده بسیاری موفق‌ترین داستان در قالب فانتزی است، در کنش‌ها و اعمال داستانی، فاقد نظم و قانون در معنای کلی آن است. در این داستان، ما شاهد تخیل افسار گسیخته و نابیم؛ تخیلی که قادر مطلق در داستان است و خواننده را از حس امنیت و آسودگی محروم می‌سازد. یکی از لذات اصلی داستان فانتزی نیز در همین عامل خلاصه می‌شود. خواننده داستان فانتزی، به دنبال کشف قانون در جهان داستان نیست، بلکه در پی لذت بردن از جنبه‌های بی‌کمران تخیل در شکل ناب آن است. در حالی که در داستان هری پاتر، اگرچه پاشنه داستان بر تخیل می‌چرخد، جهان داستان محدودیت‌هایی خاص خود دارد که خواننده به تدریج، به کشف آن‌ها نائل می‌آید. در جهان جادویی هری، همه چیز ممکن نیست و غیر ممکن‌هایی هم وجود دارد که عناصر داستانی فاقد تحقق بخشیدن به آن‌ها هستند و طبیعتاً خواننده نیز با این ویژگی در داستان‌های هری کنار می‌آید.»

وی هم‌چنین تأکید کرد: «در داستان فانتزی، تخیل هم چون تخیل ارزش‌گذاری می‌گردد و مرزهای این دو کمتر شکسته می‌شود. آلیس در انتهای داستان از خواب برمی‌خیزد و تخیل به تک‌تازی خود خاتمه می‌دهد، اما در هری پاتر، تخیل هویتی مستقل و همپایه با واقعیت دارد و در جهان داستان، در واقع تخیلی وجود ندارد. بلکه داستان واقعیتی را گزارش می‌کند که هیچ‌گاه و به هیچ صورت، نشانه‌ای از تخیل در آن نمی‌توان باز یافت.»

شیخ‌الاسلامی در مقایسه هری پاتر با داستان‌های پسامدرن گفت: خواننده داستان پسامدرن، عملاً به دنبال حقیقت‌نمایی نیست تا مؤلف در ایجاد آن بکوشد. خواننده بیشتر به دنبال بازی با سنت روایت در داستان است تا از طریق بیان مشدد، به نوعی نشانه‌گذاری دوباره عناصر داستان دست یابد.

اما داستان‌های هری، کاملاً با محوریت روایت تنظیم شده‌اند و به هیچ وجه از داستان‌گویی نمی‌پرهیزند. در این کتاب‌ها، روایت نقش مهمی در جذب خواننده دارد و شاید در مقابل فضاپردازی بدیع هری کمی کم‌رنگ جلوه کند، اما می‌توان با مقایسه موفقیت خود داستان‌ها (که



روایت‌گرند) و کتاب‌های درسی هری (که صرفاً به توصیف جهان جادویی وی می‌پردازند)، به نقش عظیم روایت در این آثار پی‌برد.»

سخنران در بخش دیگری از سخنانش گفت: «داستان‌های رئالیسم جادویی، از لحاظ رابطه‌ای که با جهان واقعی از یک سو و خواننده از سوی دیگر برقرار می‌کنند، کاملاً با داستان‌های هری پاتر همخوانی دارند. شاید پیوند دادن «هری پاتر» با داستانی «هم‌چون صد سال تنهایی» عجیب بنماید، اما به نظر می‌رسد که خانم رولینگ، نخستین نویسنده‌ای باشد که توانسته شیوه حقیقت‌نمایی منحصر به فرد نویسندگان آمریکای جنوبی را از فرهنگی که در تمام این آثار وجود دارد، منتزع کند و آن را در زمینه‌ای دیگر به کار برد»

وی در ادامه، ویژگی‌های مشترک نظری هری پاتر و رئالیسم جادویی را برشمرد و گفت: «رئالیسم جادویی، هم‌چون داستان‌های هری پاتر، در پی روایت کردن جهانی است که به طور موازی با جهان عینی و بیرونی ما وجود دارد. بدین معنا که همان‌طور که هری پاتر، در جهان جادوگری خود می‌تواند با بازگشت به گذشته، خود را از مرگ نجات دهد، رمدیوس خوشگله هم می‌تواند با ملافه‌ها به آسمان صعود کند و جالب این که در هیچ کدام از این دو، شاهد موضع‌گیری منفی (مانند فانتزی‌نویسان) و یا موضع مطایبه‌آمیز (هم‌چون پسامدرنیست‌ها) در قبال جهان واقعی نیستیم. هرگاه که این دو جهان با هم تداخل پیدا می‌کنند، از هر دو طرف شاهد ناباوری و دیرفهمی هستیم. همان‌طور که عمو ورنون، از دیدن نامه‌های انبوه در بخاری خانه‌اش شگفت‌زده می‌شود، آقای ویزلی هم مفتون و شیفته اختراعات عجیب و غریب مشنگ‌هاست و رعیت‌های پدر سالار هم در کتاب پاییز پدرسالار، با تعجب از مردانی می‌گویند که کلاه‌های عجیب بر سر و اخلاق و رفتاری عجیب و غریب دارند.»

شیخ‌الاسلامی، هم‌چنین اظهار داشت: «به هر حال، در مورد شیوه حقیقت‌نمایی داستان‌های هری پاتر، نمی‌توان این اثر را از دایره آثار رئالیسم جادویی بیرون راند و علی‌رغم تمام تفاوت‌های فضایی و زمینه‌ای هری با سنت رئالیسم جادویی، باید اذعان کرد که این داستان شایسته لقب دیگری به نظر نمی‌رسد. ارزش کار رولینگ، هنگامی بیشتر مشخص می‌شود که ما با توجه به ساختار پیرنگ در این داستان‌ها، دریابیم که وی موفق شده است قالب رئالیسم جادویی را با پیرنگی اسطوره‌ای پیوند زند.»

وی افزود: «علی‌رغم تمام ویژگی‌های برجسته، منحصر به فرد و غیرقابل انکار این داستان‌ها، کودک در آخرین کتاب پرفروش قرن بیستم، عمیقاً تهی، مصرف‌گرا، معمولی و ساده است، بدین ترتیب، مفهوم کودک که همیشه در ادبیات کودک و نوجوان، مفهومی عمیق و مترادف با زلالی، سادگی و معنویت بود، به کودکی مصرف‌گرا تبدیل می‌شود که از ارزش‌های عمومی تبعیت می‌کند و برخلاف شازده کوچولو، پی‌پی

جوراب بلند و آیس، هیچ‌گاه در پی وارونه کردن ارزش‌های مقبول جامعه نیست.

در ادامه این همایش، محمدهادی محمدی، پژوهشگر و نویسنده کودک و نوجوان، به ایراد سخنرانی پرداخت.

محمدهادی محمدی گفت: «این داستان علی‌رغم این که در رده فانتزی‌های برجسته جهان، مثل ارباب حلقه‌ها، داستان بی‌پایان و... قرار می‌گیرد، با آن‌ها متفاوت است.» محمدی در ادامه، به تشریح

ظهور فانتزی‌های برجسته جهان در ادوار مختلف تاریخی پرداخت و در دوره جدید، به ظهور پدیده هری پاتر اشاره کرد و گفت: «هری پاتر دنیا را شگفت زده کرده است. نه تنها هری پاتر سبب شده که توجه به فانتزی افزایش پیدا کند، بلکه موجی از گرایش به کتابخوانی ایجاد کرده است. هم‌چنین، بحث‌های اخلاقی و بحث بسیار مهم جادو و دین را پیش کشیده است.»

محمدی هم‌چنین گفت: «هری پاتر، در یک کلام، محل ستیز چند اندیشه یا خط فکری است: جادو، کیمیاگری، علم و دین همه اینها در هری پاتر به چالش گرفته شده است. هری پاتر یک زخم کهنه را باز می‌کند: در جوامع سنتی، ممکن است به این قضیه، نگاه اخلاقی شود و در جوامعی مثل آمریکا که هم مدرن است و هم از جنبه دینی بسیار سنتی به حساب می‌آید، علم مبارزه با فانتزی برافراشته می‌شود.»

وی در پایان سخنانش، اظهار داشت: «هری پاتر در اوج ناتوانی و بدبختی، به کمک نیروی تخیل، به دنیایی پا می‌گذارد که به فردی توانا و پراهمیت تبدیل می‌شود. این نوعی پدیده هویت‌یابی است.»

هری پاتر و رولینگ قصه‌گو محمد قصاب، یکی از مترجمان کتاب‌های هری پاتر، در پایان این همایش، طی سخنان کوتاهی، رولینگ، خالق داستان‌های هری پاتر را یک قصه‌گو معرفی کرد و گفت: «درباره هری پاتر نباید اغراق کرد. هری پاتر یک رمان زیبا و جذاب است؛ آن را بخوانیم، از آن لذت ببریم، اما آن را بزرگ نکنیم. هری پاتر را باید در همان جایگاهی که هست، نگه داشت.»

قصاب افزود: «هری پاتر اولین پله برای گروه نوجوان ما در مطالعه آثار فانتزی است و باید به نوجوانان بفهمانیم که فانتزی مقدمه مطالعه ادبیات علمی - تخیلی است.»

گفتنی است که در پایان این همایش، فیلمی از هری پاتر به نمایش گذاشته شد. هم‌چنین اعلام شد که مقالات ارایه شده به این همایش، در قالب کتاب منتشر شده است.

شیخ‌الاسلامی:  
داستان‌های  
رئالیسم جادویی،  
از لحاظ  
رابطه‌ای که  
با جهان واقعی  
از یک سو  
و خواننده  
از سوی دیگر  
برقرار می‌کنند،  
کاملاً با داستان‌های  
هری پاتر  
همخوانی دارند